

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز اونیل
فرستنده: عثمان حیدری
۰۴ جون ۲۰۱۹

اخلاق گرایان ریاکار



اسرائیل کشوری است که از سال ۱۹۴۸ مرتکب اکثر خلاف‌ها نسبت به حقوق بشر گردیده است ولی هر نوع انتقادی از این خلاف‌ها با تهمت ضدسامی بودن دفع می‌شود. همین‌طور بمباران صربستان به وسیله ایالات متحده امریکا مغایر با حقوق بین‌الملل بود ولی در سطح جهان انعکاس مناسب نیافت. به عکس، در رابطه با به اصطلاح «الحاق» شبه جزیره کریمه به هیجان شدیدی دامن زده شد، زیرا مغایر منافع ایالات متحده امریکا بود. در مورد ناتوانی ملل متحد و بی‌آمدهای آن برای صلح جهانی.

بیانیه روز ۲۱ مارچ ۲۰۱۹ رئیس‌جمهور ترمپ در مورد به رسمیت شناختن حاکمیت اسرائیل در بلندی‌های جولان بار دیگر توجه انظار عمومی را به اخلاق دوگانه ناتو و اندابش از جمله استرالیا در رابطه با مسئله حاکمیت ارضی و حق تعیین سرنوشت و حقوق بین‌الملل جلب کرد. سه مورد مختلف این سالوسی و اخلاق دوگانه ملل غربی را نمایان می‌کند و ما آن را به ترتیب زمانی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بلندی‌های جولان که به سرزمین مستقل سوریه تعلق دارد، همراه کرانه‌های باختری رود اردن که به اردن تعلق داشت و همین‌طور نوار غزه، در پایان جنگ شش روزه میان اسرائیل و مصر و سوریه و اردن در جون ۱۹۶۷ از طرف

اسرائیل به اشغال درآمد. از آن زمان اسرائیل کرانه‌های غربی و بلندی‌های جولان را اشغال کرده و به محاصره غزه ادامه می‌دهد و از این طریق درد و رنج فراوانی برای مردم این منطقه به وجود می‌آورد.

اسرائیل و ملل متحد- خیابان یک‌طرفه تعهدات

طبق قوانین بین‌الملل و یا در اینجا دقیق‌تر بگوئیم طبق چهارمین کنوانسیون مشهور ژنو متعلق به سال ۱۹۴۹، کشورها اجازه ندارند سرزمینی را که در جنگ به چنگ آورده اند، بعد از جنگ نیز در اشغال خود نگه دارند. روز ۲۲ نومبر ۱۹۶۷ شورای امنیت ملل متحد با قطع‌نامه شماره ۲۴۲ به اتفاق آراء از اسرائیل خواست که قشون خویش را از مناطق اشغال شده خارج کند.

اسرائیل وقعی به این قطع‌نامه و ۳۲ قطع‌نامه دیگر که از سال ۱۹۶۸ صادر شد، ننهاد و از این طریق در خلافکاری علیه قوانین بین‌المللی رتبه اول را احراز کرد. رتبه دوم نصیب ترکیه با ۲۴ مورد در همان مدت زمان گردید. در سال ۱۹۸۱ اسرائیل قانون بلندی‌های جولان را گذراند و غصب بلندی‌های جولان را قانونی کرد. قطع‌نامه شماره ۴۹۷ شورای امنیت ملل متحد متعلق به ۱۷ دسمبر ۱۹۸۱ این الحاق را «بی اعتبار و بدون تأثیر حقوقی» اعلام کرد.

جای تعجب نیست که اسرائیل به نقض قوانین بین‌المللی ادامه می‌دهد و ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو و استرالیا علیه این زیر پا گذاردن قوانین بین‌المللی هیچ اقدامی صورت نداده و حتا اجازه طرح مطلب را هم نمی‌دهند..

همین‌که این موضوع مطرح شود بلافاصله لابی یهودیان در اکثر کشورهای غربی تهمت ضدسامی بودن و دیگر خزعبلات نظیر را مطرح می‌کنند.

بیانیه ترمپ نوع دیگری از این رفتار است. سال گذشته او بیت‌المقدس را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت. این اقدام نیز مغایر با قوانین بین‌الملل بود و حتا قطع‌نامه‌ای را که ایالات متحده آمریکا در گذشته (همین‌طور در مورد بلندی‌های جولان) مهر تأیید بر آن نهاده بود، نقض می‌کرد.

بمب‌های آمریکا بر صربستان

مورد کوسوو متفاوت است ولی سؤال‌های تعیین‌کننده‌ای مطرح می‌سازد. با این‌که کوسوو بخشی از یوگسلاوی سابق بود ولی از نظر نژادی و زبانی، به البانی تعلق داشت. عناصر پر قدرتی در کوسوو خواستار استقلال آن از یوگسلاوی بودند. این جنبش استقلال‌طلبانه از طرف ایالات متحده حمایت می‌شد.

بین ماه مارچ و جون ۱۹۹۹ ایالات متحده آمریکا صربستان را بمباران کرد تا صرب‌ها را مجبور به تخلیه نیروهای نظامی خود از کوسوو نماید.

بین ماه مارس و ژوئن ۱۹۹۹ ایالات متحده آمریکا صربستان را بمباران کرد تا صرب‌ها را مجبور به تخلیه نیروهای نظامی خود از کوسوو نماید.

این بمباران بدون مجوز شورای امنیت انجام شد و مطابق با مقررات منشور ملل متحد نبود و در نتیجه نقض فاحش قوانین بین‌المللی محسوب می‌شد. پس از پایان بمباران‌ها شورای امنیت ملل متحد مطابق با قطع‌نامه شماره ۱۲۴۴ در چارچوب جمهوری فدرال یوگسلاوی به کوسوو خودمختاری اعطاء کرد. روز ۱۷ فبروری ۲۰۰۸ کوسوو به طور یک جانبه استقلال خود را از یوگسلاوی اعلام کرد. رفتاری صورت نگرفت ولی با اطمینان می‌توان گفت که اکثر مردم کوسوو به ویژه البانی‌تبارها که ۸۸٪ جمعیت کوسوو را تشکیل می‌دادند از این تصمیم حمایت می‌کردند.

روز ۸ اکتوبر ۲۰۰۸ مجمع عمومی ملل متحد از دیوان بین‌المللی کیفری، ارزیابی کارشناسی اعلام استقلال کوسوو را خواستار شد. دیوان به تاریخ طولانی اعلام استقلال‌های یکجانبه از قرن ۱۷ تاکنون اشاره کرد که اکثر آن‌ها از طرف کشور اصلی رد شده بود.

هروئین افغانستان

دیوان به این نتیجه رسید که «قوانین بین‌المللی اعلام استقلال را ممنوع نکرده» (پاراگراف ۷۹) و «بیانیه ۱۷ فبروری ۲۰۰۸ مغایر با قوانین بین‌المللی نیست» (پاراگراف ۸۴).

ایالات متحده علاقه ویژه‌ای به کوسوو داشت که از جمله شامل بزرگترین پایگاه نظامی (کمپ باند استیل) که قرار به تأسیس آن بود، می‌شد. این پایگاه از جمله مهم‌ترین گذرگاه‌ها برای هروئین افغانستان است که از طرف نیروهای ایالات متحده و همپیمانانش در افغانستان هدایت می‌شود.

نه به خاطر بمباران‌های غیرقانونی یوگسلاوی از طرف امریکا و نه به خاطر اعلام استقلال یکجانبه کوسوو هیچ تحریمی اعمال نشد و اقدامی صورت نگرفت. اکثر کشورهای جهان رفته‌رفته کوسوو را به عنوان کشوری مجزا و مستقل به رسمیت شناخته اند.

تغییر رژیم در اوکراین

وقایع شبه‌جزیره کریمه عملاً متفاوت بود ولی آن‌هم سؤال‌های زیادی را مطرح می‌کرد. شبه جزیره کریمه از سال ۱۷۸۳ به کشور سلطنتی روسیه تعلق داشت.

روز ۱۸ فبروری ۱۹۵۴ هیأت رئیسه شورای عالی شوروی فرمانی صادر کرد که بنا بر آن کریمه به اوکراین بخشوده می‌شد. فراندومی در بین مردم کریمه صورت نگرفت، البته اگر این فراندوم انجام می‌شد الحاق کریمه به اوکراین مطمئناً رد می‌شد.

این الحاق ظاهراً ایده دبیرکل وقت حزب کمونیست اتحاد شوروی خروشچف بود، که خود اوکرائینی بود. این اقدام اقدام دمکراتیک نبود و در ضمن حتا با قوانین اتحاد جماهیر شوروی نیز مغایریت داشت و «رپچارد ساکوا» در سال ۲۰۱۵ در کتاب خود خط جبهه اوکراین به طور مبسوط به آن پرداخته است.

رابطه بین مردم کریمه و دولت اوکراین در دهه‌های بعد با مشکلات زیادی روبه‌رو شد. کریمه «جمهوری خودمختار» محسوب می‌شد. هنگامی‌که در فبروری ۲۰۱۴ دولت قانونی و از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده اوکراین به کمک کودتایی که از طرف ایالات متحده امریکا سازماندهی و حمایت شده بود سرنگون گردید، نارضایتی تشدید یافت.

دولت جدید اوکراین دارای مواضع ضدروسی و علناً فاشیستی بود. نه این و نه آن برای مردم کریمه قابل قبول نبود. آن‌ها مانند مردم کوسوو عمدتاً دارای فرهنگ، زبان و نژاد مشترک بودند و خود را روس می‌شناختند.

خلاف کوسوو در کریمه فراندومی سازماندهی شد که ۸۳،۱٪ جمعیت در آن شرکت کرد و ۹۵،۵٪ شرکت کنندگان به وحدت مجدد با روسیه رأی داد. دوماً روسیه به نوبه خود موافقت خود را با عضویت مجدد کریمه در فدراسیون روسیه اعلام کرد.

رسانه‌ها و سیاستمداران غربی مدام از عبارت «انضمام» که مترادف با «غصب، اشغال، حمله، تسخیر، تصاحب و سلب مالکیت» است، استفاده می‌کنند. هیچ‌یک از این عبارت‌ها مبین توالی وقایعی که در کریمه رخ داد نیست.

حقوق بین‌الملل برای همه یکسان نیست

از نظر حقوق بین‌الملل هیچ تفاوتی میان آنچه که در کوسوو با موافقت دیوان بین‌المللی کیفری صورت گرفت و آنچه که مردم کریمیه انجام دادند وجود ندارد. مورد آخر حتاً دمکراتیک‌تر بود، زیرا نتیجه قریب به اتفاق یک فرماندوم به نفع خروج از اوکراین و پیوستن مجدد به روسیه را با خود حمل می‌کرد.

ولی پی‌آمدها کاملاً متفاوت بود. روسیه مدام بدنام می‌شود و علیه دولت روسیه و بسیاری از مدیران بلندپایه سیاسی و اقتصادی این کشور تحریم‌هایی اعمال می‌شود. از خود سؤال کنیم: اگر عکس این جریان صورت گرفته بود و کریمیه خواستار خروج از فدراسیون روسیه و پیوستن به اوکراین شده بود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ به احتمال زیاد کریمیه با آغوش باز پذیرفته می‌شد و مردم کریمیه تشویق می‌شدند، زیرا انتخاب «صحیحی» کرده بودند.

کریمیه دارای اهمیت ستراتیژیک ویژه‌ای است به همین دلیل انگلیس‌ها در جنگ کریمیه سال‌های ۱۸۵۳ تا ۱۸۵۶ علیه روس‌ها جنگیده بودند. و باز به دلیل هدف ژئوپولیتیکی اصلی دخالت ایالات متحده در اوکراین و زیر سؤال بردن پایگاه بحری روسیه در سواستوپول ضروری به نظر می‌رسید.

داستان این سه دوره – بلندی‌های جولان، کوسوو و کریمه – مبین اخلاق دوگانه و ریاکارانه‌ای است که ویژه سیاست‌های ژئوپولیتیک می‌باشد و اظهارات اخیر ترمپ در مورد بلندی‌های جولان این برداشت را تقویت می‌کند.

منبع: روبیکون

تارنگاشت عدالت